

مقایسه بین نسلی فرهنگ عامیانه با تأکید بر ازدواج و زناشویی

محبوبه مهرابی *

چکیده

به طور طبیعی هیچ نسلی آینه تمام نمای آرمان‌های نسل قبل و به ویژه انعکاس‌دهنده خصلت‌ها و منش‌های آن‌ها نیست. تحول، اقتضا دارد که نسل جدید در منش، خصلت و بینش، تابلوی نسل قبل نباشد. ولی آنچه در سده اخیر و به ویژه دهه اخیر، بیشتر از همه اعصار زندگی بشر، خود را می‌نمایاند، این است که سرعت تحولات در تمامی عرصه‌های زندگی بشری شتاب فزاینده و روبه‌تزایدی پیدا کرده است و لذا تفاوت نسل‌ها و به بیان عرفی، شکاف نسل‌ها، بیشتر از گذشته، احساس می‌شود. در هر دوره و نسلی، یکی از ابعاد مهم شیوه برداشت انسانها از روابط با دیگران نحوه همسرگزینی و برپایی خانواده و خانوار است. این‌گزینش تحت تأثیر قواعد اجتماعی انجام می‌گیرد، اما این به آن معنا نیست که عوامل دیگر در آن دخالتی نداشته باشند. تقریباً در هر جامعه‌ای، زناشویی وسیله نهادمندی است که از طریق آن خانواده‌های تازه به وجود می‌آیند و خانواده‌های موجود گسترش می‌یابند. سازمان خانواده پایه بیشتر گروه‌های خانگی یا خانوار را فراهم می‌آورد.

این پژوهش با هدف بررسی آداب و رسوم مربوط به ازدواج و زناشویی در گراش (شهری در جنوب استان فارس) و مقایسه آن در بین دو نسل انجام شد، تا با استفاده از آن تغییرات ایجاد شده در رسومات و قواعد زناشویی و ازدواج را در طول زمان نمایان کند. این پژوهش با روش میدانی و توصیفی انجام و اطلاعات با استفاده از روش مشاهده مشارکتی و اسناد و مدارک موجود بین ۳۰۰ زن (جمعیت نمونه با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است). از دو نسل ۱۵ تا ۲۹ (جوان) و ۳۰ تا ۴۵ (میانسال) سال جمع‌آوری شده است. نتایج به دست آمده در این بررسی نیز نشان می‌دهد که آداب و رسوم مربوط به زناشویی در حال تغییر است. ولی علی‌رغم تفاوت بین دونسل، این تفاوت‌ها در حد یک فاصله نسلی است تا یک شکاف.

مقدمه

مجموعه‌هایی از دانستنی‌ها شامل آداب و رسوم، خرافات، احساسات و عواطف که حیات مادی

و معنوی شخص را در بر می‌گیرند و انسان از بدو تولد تا هنگام مرگ با آن‌ها در رابطه است، فرهنگ مردم یا «فولکلور» نام دارد. فولکلور طرز تفکر، روحیات و چگونگی زندگی مردم عوام را مشخص نموده و گذشته را با امروز مرتبط می‌سازد. همان‌گونه که قشر تحصیل کرده جامعه با حکمت، فلسفه، شعر و منطق سر و کار دارند، عوام نیز دارای فرهنگی که مبین ویژگی‌ها، عادات‌ها و طرز تفکر آن‌هاست؛ می‌باشند.

این فرهنگ عامل پیوند ملت‌ها و یکی از راه‌های ایجاد محبت، یکپارچگی و وحدت به شمار می‌آید و علت این که ملل مختلف جهان با تلاش بی‌وقفه درصدد جمع‌آوری و نشر آن برآمده‌اند، خود دلیل بارزی بر اهمیت این علم که جهانیان آن را سفیر حسن نیت و بشر دوستی می‌دانند؛ می‌باشد. فولکلور را در بین مللی می‌توان یافت که دارای پرورش عالی و عوامند و ملت‌های یک پرورشی فاقد فولکلور می‌باشند.

ایران با آن قدمت و وضعیت تاریخی و جغرافیایی خاص که در هر دوره پذیرای مللی با فرهنگ‌های مختلف بوده، دیرتر از بسیاری از ممالک به فکر جمع‌آوری دانش عوام که در حقیقت همان شناسنامه ملت است؛ افتادند. در حالی که ایران با آن گنجینه‌های با ارزش و فرهنگ بکر می‌بایست جهت حفظ اصالت و مصون ماندن از تهاجم فرهنگ‌های بیگانه زودتر از ملل دیگر اقدام کنند. زیرا بخش قابل توجهی از زندگی ما عادات و عقایدی است، که منشأ آن‌ها ملی نیست، بلکه بشری است و هر کجا بشر باشد، آداب و سنی که از ابتدای زندگی بشری وجود داشته‌اند؛ خود نمایی می‌کند. عقاید، آداب و سنن مشترک، دلیل ارتباط و همبستگی نژادهایی است که حتی به زمان‌های ماقبل تاریخ نیز می‌رسند، پس بیهوده نیست که فولکلور را وسیله‌ای ارتباطی می‌دانند و در حفظ و ثبت آن سفارش می‌کنند. (مؤید محسنی، ۱۳۸۱: ۹)

از آنجا که خانواده مهمترین واحد اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و فرض بر این است که بقای آن سبب بقاء، رشد و انسجام جامعه خواهد شد، بحث در رابطه با ازدواج و چگونگی تشکیل خانواده از اهمیت فراوانی برخوردار است. (اعزاز، ۱۳۸۶: ۹) همچنین یکی از ابعاد مهم شیوه برداشت انسان‌ها از روابط با دیگران نحوه همسرگزینی و برپایی خانواده و خانوار است. این گزینش تحت تأثیر قواعد اجتماعی انجام می‌گیرد، اما این به آن معنا نیست که عوامل دیگر در آن دخالتی نداشته باشند. تقریباً در هر جامعه‌ای، زناشویی وسیله نهادمندی است که از طریق آن خانواده‌های تازه به وجود می‌آیند و خانواده‌های موجود گسترش می‌یابند. سازمان خانواده پایه بیشتر گروه‌های خانگی یا خانوار را فراهم می‌آورد. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۴۹۴) زناشویی معمولاً یک مبنای قراردادی قانونی است که دارای مشترک، مسؤلیت اقتصادی، جنسیت و تعهدات مربوط به بچه زاده‌ی این پیوند را برای دو طرف مشخص می‌سازد. زناشویی تقریباً در همه جا نوعی الزام‌های اقتصادی متقابل را نیز در بر می‌گیرد.

البته این ترتیب، دستخوش دگرگونی شده است، اما این برداشت که شوهران و همسران دو نوع مسؤلیت متفاوت در زناشویی دارند، هنوز پابرجای است. زناشویی از نظر قانونی و اجتماعی در سراسر جهان تفاوت دارد، هرچند که در همه جا مبتنی است بر حقوق متقابل جنسی و مسؤلیت‌ها

و حقوق مشترک زن و شوهر نسبت به فرزندان. حتی در مورد دوام تعیین شده ازدواج، رسوم زناشویی در جوامع گوناگون تفاوت می‌پذیرد. حقوق و الزام‌های اقتصادی زناشویی نیز در جوامع گوناگون تفاوت دارد. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۴۹۶)

نهاد زناشویی با وجود تنوع‌هایی که در میان جوامع گوناگون دارد و با وجود امکان طلاق، یک نهاد تقریباً جهانی است. شواهد سازمان ملل متحد در مورد کشورهای که آمارهای حیاتی دارند، نشان می‌دهد که به طور متوسط ۹۳ درصد از زنان و ۹۲ درصد مردان ازدواج می‌کنند. یکی از دلایل تبیین زناشویی این است که نهاد ازدواج به عنوان یک قرارداد سودمند اجتماعی و اقتصادی در جوامع بشری کارکرد دارد و نه تنها یک مرد و یک زن را به هم پیوند می‌دهد، بلکه گروه‌های اجتماعی را نیز به یکدیگر متصل می‌سازد. زناشویی وسیله‌ای برای پیوند دادن خانواده‌ها و نیز گروه‌های خویشاوندی است. دلیل دیگر رواج زناشویی این است که به عنوان وسیله‌ای برای سازمان دادن همکاری و اشتراک اقتصادی به کار می‌آید. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۰) این پژوهش درصدد بررسی آداب و رسوم مربوط به ازدواج و زناشویی در این شهر و مقایسه آن در بین دو نسل است تا با استفاده از آن تغییرات ایجاد شده در رسوم‌ها و قواعد زناشویی و ازدواج را در طول زمان نمایان سازد.

مبانی نظری پژوهش

عده‌ای زناشویی را به عنوان یک مبادله در نظر می‌گیرند. در این دیدگاه زمانی که یک مرد و زن، زناشویی می‌کنند نه تنها یک همسر بلکه رشته‌جدیدی از والدین و خویشاوندان سببی دیگر را نیز به دست می‌آورند. مبادله، یکی از بنیادی‌ترین شیوه‌های برقراری پیوند میان افراد و گروه‌ها است. در بسیاری از جوامع، زناشویی مهمترین صورت مبادله است. شخصیت‌های اصلی در مبادله‌های زناشویی به طور معمول زن‌اند، تا اندازه‌ای به خاطر آن که جوامع بشری برای گنجایش کار و تولید مثل زنان اهمیت والایی قایلند. زنان در بیشتر موارد، یک گروه، از خانواده گرفته تا کلان و قبیله، را به گونه‌ای نمادین نشان می‌دهد. زناشویی وحدت گروه عروس را با گروه داماد باز می‌نمایاند و گهگاه نشان دهنده تابعیت یک گروه از گروه دیگر است.

در برخی جوامع، خانواده‌ها با مبادله مستقیم دختران اتحادیه‌هایی را ایجاد می‌کنند. اما یک چنین مبادله مستقیمی به ندرت پیش می‌آید. در بیشتر موارد یک مرد به خانوادهاایی که عروس از آن گرفته است؛ مبلغی را پیشکش می‌کند (به عنوان شیربها) یا برای آن خانواده مدتی کار می‌کند (خدمت دامادی). این مبلغ به خانواده عروس کمک می‌کند تا دخترش را با زنی یکی از پسرانش جایگزین نماید. این مبادله غیر مستقیم در سراسر جهان رواج دارد. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۱) رسم دیگری در جهت عکس رسم شیربها وجود دارد که همان جهیزیه یا تهیه و تدارک تجهیزات زناشویی به وسیله خانواده عروس برای زوج جدید است.

پرداخت‌های زناشویی به خاطر اهمیت اجتماعی یا سیاسی گسترده آن، ممکن است با حساسگری‌های اجتماعی پیچیده‌ای همراه باشند. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۲) پرداخت شیربها و مبادله

هدایا به تضمین این امر کمک می‌رسانند که دو طرف ازدواج و خانواده هایشان، ازدواج را سست نگیرند. از این مهمتر شاید این واقعیت باشد که هرگاه دو گروه متخاصم نسل‌های پی در پی با هم زناشویی کنند، پیوند پایداری میانشان پدید می‌آید. اگر هر گروهی در سرنوشت فرزندان آتی گروه دیگر منافع ریشه داری پیدا کند، برای همکاری و ارتباط متقابل دو گروه، مبنایی بر اساس خویشاوندی پدید می‌آید. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۳)

بسیاری دیگر از انسان شناسان زناشویی را به عنوان یک تقسیم کار تعریف می‌کنند. در این دیدگاه یکی از دلایل رواج همه جایی زناشویی، گذشته از پرورش فرزندان، مزایای اقتصادی آن است. ازدواج، مرد و زنی را که می‌توانند از جهت اقتصادی مکمل یکدیگر باشند، به یکدیگر پیوند می‌دهد. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۴) مردها کارهای جسمانی را بهتر از زنان انجام می‌دهند و از این مهمتر آن که مردها بیشتر از زنان آزادی تحرک دارند، زیرا ناچار نیستند که بچه‌ها را پشتشان حمل کنند. از آنجا که زنان بچه‌ها را می‌زایند و مسؤولیت اصلی مراقبت از آن‌ها را بر عهده دارند، بر امر نگهداری از خانه و کارهای دیگری که به مراقبت از بچه‌ها لطمه نمی‌زند سرپرستی بیشتری دارند. یک چنین مسؤولیت‌ها و تقسیم کار ملازم آن، ماهیتی ایستا ندارند و در راستای تاریخ دگرگونی‌هایی را می‌پذیرند. زناشویی به عنوان یک وسیله مناسب برای نهادمند سازی یک چنین همکاری اقتصادی به کار می‌آید. در واقع، اتحاد اقتصادی در چهارچوب زناشویی پیچیده تر از صرف برقراری توازن میان نیروها و استعدادهای زن و شوهر است.

در بسیاری از جوامع، نیروی کار کمیاب است و تعداد بیشتر اعضای خانواده به منزله منابع بالقوه بیشتر نیروی کار به شمار می‌آید. تمهیدهای اقتصادی زن و شوهر، به محض بزرگ شدن فرزندان و ترک خانواده برای ایجاد یک محیط خانوادگی نو و یا همسر آوردن به درون خانوار، غالباً دگرگون می‌شوند. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۵)

با توجه به اهمیت زناشویی در امر ایجاد پیوند میان گروه‌های خویشاوندی، تقویت همکاری اقتصادی و مراقبت و آموزش فرزندان، هیچ جامعه‌ای نیست که ترتیب ازدواج را سست بگیرد. در واقع، هر جامعه‌ای قواعد صریح و هنجارهایی ضمنی دارد که مشخص می‌سازند چه کسی می‌تواند همسر شایسته‌ای باشد، یک فرد با چند تن می‌تواند؛ ازدواج کند و یک زوج تازه ازدواج کرده کجا باید اقامت گزینند. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۵) بیشتر قواعد زناشویی انعطاف پذیرند و به طور غالب با فشارهای نیرومند اجتماعی پشتیبانی می‌شوند.

قواعدی که مقررات ازدواج آدم‌ها را تعیین می‌کنند و سازمان ناشی از این روابط زناشویی را باید به عنوان یک نظام منسجم در نظر گرفت. این قواعد امکان ائتلاف و پیوندهای دیگر میان گروه‌ها را تقویت می‌کنند. شاید مهمترین قواعد زناشویی، دست کم در ارتباط با طیف گزینش‌هایی که به روی یک فرد باز است، آن قواعدی‌اند که مقرر می‌دارند چه کسی باید با چه کس دیگری ازدواج کند. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۶) بر طبق قواعد برون همسری، در بیشتر جوامع از افراد انتظار می‌رود که در خارج از گروهی که به آن تعلق دارند، همسر گزینند. از آنجایی که فرهنگ‌ها به صورت‌های گوناگون، خویشاوندان را طبقه بندی می‌کنند، قواعد برون همسری نیز صورت‌های گوناگون به خود می‌گیرند. در جوامعی مانند ما که مفهومی از تبار تک خطی ندارند، قواعد برون همسری به

طور معمول شامل بیشتر خویشاوندان همخون شخص می‌شود. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۸) بر اساس قواعد درون همسری، گزینش همسر با قواعد درون همسری نیز انجام می‌گیرد. بنابر این قاعده، ازدواج باید در داخل گروهی انجام گیرد که فرد بدان تعلق دارد. بسیاری از اقوام خاورمیانه و آفریقای شمالی قاعده درون همسری را در چهارچوب یک گروه خویشاوندی بسیار محدود رعایت می‌کنند. ازدواج با خویشاوندان نزدیک والدین، در این جوامع رواج دارد. زناشویی میان افراد وابسته به مذاهب، ملیت‌ها و نژادهای گوناگون کمتر پیش می‌آید، یکی به خاطر آن که جامعه ما به گونه‌ای ساختار گرفته است که با آدم‌هایی که زمینه‌های همسانی با ما دارند بیشتر تماس اجتماعی داریم، و دیگر این که فشارهای والدین و نیز فشارهای دیگر، جوانان را و می‌دارد تا با افراد وابسته به «نوع خودشان» ازدواج کنند.

در جوامع پیچیده‌ای مانند جامعه خودمان، قومیت، مرزهای یک ازدواج پذیرفتنی را تعیین می‌کند. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۰۹) البته، هنجارهای برون همسری و درون همسری همیشه در یک جامعه به طور دقیق رعایت نمی‌شوند. عوامل تخفیف دهنده‌ای ممکن است برخی افراد را وادارند که از هنجارهای پذیرفته شده زناشویی پیروی نکنند. یکی از نیرومندترین عوامل تخفیف دهنده، عامل نزدیکی یا مجاورت زوج‌های احتمالی است. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۱۰)

همچنین هر جامعه‌ای هنجارهایی دارد که مشخص می‌کند یک زوج تازه ازدواج کرده کجا باید زندگی کنند. هنجار فعلی خودمان را سکونت نو مکانی می‌گویند. بنابر این هنجار، زوج تازه ازدواج کرده برای خودشان خانواری جدا از خویشاوندان زن یا شوهر بر پا می‌کنند. این قاعده سکونت به نسبت کمیاب است. در بسیاری از جوامع دیگر، زوج‌های تازه ازدواج کرده به میان خویشاوندان زن یا شوهر می‌روند و به خانوار آن‌ها ملحق می‌شوند. سکونت یک زوج تازه ازدواج کرده با خویشاوندان شوهر یا نزدیک آن‌ها، مرجح‌ترین ترتیب در بیشتر جوامع پدر تبار است. (بیتس و بلاگ، ۱۳۸۵: ۵۱۵) این پژوهش به صورت مقایسه‌ای، قواعد و رسم‌های مربوط به ازدواج و زناشویی را در بین دو نسل بررسی می‌کند تا تغییرات را در بین دو نسل آشکار سازد.

در مطالعه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، تفاوت بینش‌ها و منش‌های بین دو نسل، موضوعی است که به طور نسبی اغراق شده و به شکاف نسل‌ها معروف شده است. موضوع شکاف بین نسل‌ها مسأله جدیدی نیست، بلکه در طی زندگی بشر یکی از ابعاد تحول فرهنگی، علمی، فنی، اجتماعی و سبک و روش زندگی است که به صورت شکاف نسل‌ها، خودنمایی کرده است. به طور طبیعی هیچ نسلی آینه تمام‌نمای آرمان‌های نسل قبل و به ویژه انعکاس دهنده خصلت‌ها و منش‌های آن‌ها نیست. تحول، اقتضا دارد که نسل جدید در منش، خصلت و بینش، تابلوی نسل قبل نباشد. ولی آنچه در سده اخیر و به ویژه دهه اخیر، بیشتر از همه اعصار زندگی بشر، خود را می‌نمایاند، این است که سرعت تحولات در تمامی عرصه‌های زندگی بشری شتاب فزاینده و روبه‌تزیایدی پیدا کرده است و لذا تفاوت نسل‌ها و به بیان عرفی، شکاف نسل‌ها، بیشتر از گذشته، احساس می‌شود. هر نسلی شرایط و ویژگی‌های روانی-اجتماعی خاص خودش را دارد که جنبه‌های مثبت و منفی را در برمی‌گیرد. هیچ نسلی، مجاز نیست نسل قبل از خود و یا بعد از خود را با خود مرکزگرایی مورد ارزیابی قرار دهد. اما نسل قبل با خود مرکزگرایی منشی و خصلتی، قادر به کشف موفقیت‌های

نسبی دوره جدیدی که نتیجه مشارکت خود او است، در پویایی نسل، نمی‌باشد. به بیان دیگر، در صورتی که نسل قبل با ملاک آرمان‌هایش و نه تکیه بر خصلت‌هایش، بر ویژگی‌های نسل جدید مروری داشته باشد، صرف‌نظر از نگرانی‌های جهانی و ملی در آسیب‌شناسی مشکلات نسل جوان، تا حدی می‌تواند، به آن بی‌بالد.

براین اساس، خودمرکزگرایی به ویژه تکیه بر تجارب روزمره منشی و خصلتی، مرجع زایش مفهوم شکاف نسل‌ها بوده است؛ وگرنه تفاوت نسل‌ها، مبنای واقعی و ضروری مبتنی بر تحولات سریع و رو به پیش‌زندگی بشری است. (کاکوجویباری، ۲۰۰۵)

شناخت فرهنگ و آداب و رسوم یک قوم و ملتی هم چون ایران با داشتن گویش‌های متعدد، کار آسانی نیست و همّت زیادی می‌طلبد. چرا که ایران با قدمت چندین هزار ساله خویش، گویای تمدن عظیم و وصف ناپذیری است. در کنار این تمدن عظیم، شهرها و روستاها نیز به نوبه خود، دارای آداب و رسوم ویژه‌ای هستند. گراش (روستای دیروز و شهر امروز) با آثار تاریخی خویش، هم چون پیر کهنسالی است که در گوشه‌ای از سرزمین پهناور ایران، رخت اقامت گزیده است. متأسفانه درباره آداب و رسوم مردم این خطه، تحقیق جامع‌ای صورت نگرفته است، شاید یکی از دلایل بارز آن، نبود این شهر در مسیر حرکت قافله‌ها باشد. (روستایی، ۱۳۸۴: ۹)

گراش در ۲۷ درجه و ۴۰ دقیقه عرض جغرافیایی و ۵۴ درجه و ۸ دقیقه طول جغرافیایی و در ارتفاع ۹۲۰ متر از سطح دریا قرار دارد. (تقوی، ۱۳۷۹: ۱) از نظر تاریخ مکتوب، قدمت این شهر به قرن سوم هجری بر می‌گردد. یعنی هنگامی که امیر محی‌الدین از سوی سید عقیف‌الدین شاه زند برای فتح قلعه گراش و دعوت فرمانده صارم بن خوره و ساکنانش به اسلام، رهسپار آنجا می‌شود. دیرینگی این شهر را باید مدیون سفر شیخ دانیال از گراش به خنج باشیم، که خود منشاء تاریخی برای این دیار شده است. (رحمانی، ۱۳۷۵: ۱۰۴) بنابراین شناخت آداب و رسوم مربوط به ازدواج و زناشویی در گراش به عنوان یکی از مناطق تاریخی ایران زمین ارزشمند و ضروری است. چرا که ممکن است تحولات تاریخی، صنعتی شدن، شهرنشینی و بسیاری از عوامل دیگر آن را دچار تغییرات اساسی کرده باشد و این رسوم‌ها را به دست فراموشی بسپارد. پژوهش حاضر با استفاده از اسناد موجود و مصاحبه‌های میدانی از دو نسل صورت گرفته است.

انسان‌شناسی فرهنگی، به کار میدانی اتکاء دارد، که عبارت است از مشاهده دست اول جوامع بشری و وسیله‌ای است برای گردآوری داده‌ها و به آزمون کشیدن فرضیه‌های ناشی از نظریه. بنابراین با توجه به این که منبع خاصی در این زمینه برای این شهر یافت نشد، روش میدانی را برای انجام پژوهش انتخاب کردم. بنابراین روش این تحقیق میدانی - اسنادی است. (بیس و پلاگ، ۱۳۸۵: ۹۴)

آداب و رسوم زناشویی و ازدواج در گراش در بین دو نسل

برای یافتن تفاوت آداب و رسوم ازدواج بین دو نسل چند سؤال مطرح شده است که در این بخش جواب‌ها را به تفکیک ارائه داده ایم.

در جواب سؤال شماره یک مبنی بر این که «آیا قبل از ازدواج به فکر ازدواج بودید و نظرتان

درباره ازدواج چه بوده است؟» اکثر زنان میانسال اظهار داشته‌اند که دختران در زمان آن‌ها به ازدواج فکر نمی‌کردند و صحبت کردن در این زمینه برای دختران عملی بسیار ناپسند تلقی می‌شد و فقط در صورتی به فکر ازدواج می‌افتادند که خانواده به آن‌ها گوشزد کند که دختر دم بخت هستند و یا این که از کودکی او را به نام یکی از پسرهای فامیل «ناف‌بر» کرده باشند. ناف بر کردن در اصطلاح به معنای نامزدی نوزاد دختر از بدو تولد با یکی از پسران فامیل به صلاح‌دید بزرگترها است. (مؤید محسنی، ۱۳۸۱: ۶۹)

اما جواب زنان جوان به این سؤال کمی متفاوت بود. آن‌ها اظهار داشته‌اند به فکر ازدواج بوده‌اند و تمایل داشته‌اند که ازدواج کنند و تمایل خود را فقط در جمع دوستان و یا فامیل و با زبان طنز بیان می‌کردند. شباهت جواب‌های دو گروه این است که کسی را برای ازدواج مدّ نظر نداشته‌اند و منتظر آمدن خواستگار و صلاح‌دید بزرگترها بوده‌اند. در قسمت دوّم پرسیده شد «به نظر شما ازدواج چه بود؟» بسیاری از زنان میانسال اظهار داشته‌اند که در آن زمان معنای ازدواج را نمی‌فهمیدند و آن را یک بازی و عمل بچگانه که در طول زندگی هرکس باید اتفاق بیفتد؛ تلقی می‌کردند. اما آن‌هایی که در ذهن خود مفهومی از ازدواج داشته‌اند، بیان کردند ازدواج به نظر آن‌ها، زندگی زناشویی خیلی سخت، خوشبخت کردن شوهر، کم شدن یک نان خور، ساختن آینده، مادری کردن و صاحب فرزند شدن و رسیدن به آرامش می‌باشد. بر خلاف زنان میانسال، همه زنان جوان از ازدواج مفهومی را در ذهن داشتند. زنان جوان ازدواج را به معنای پیوند زن و مرد، احترام متقابل، عملی که باید اتفاق بیفتد، داشتن شریک و همراه زندگی، تشکیل خانواده، مادر شدن و سازگاری با شرایط خوب و بد زندگی تعریف کرده‌اند.

در سؤال دوّم از زنان دو گروه پرسیده شد «در چه سنی ازدواج کرده‌اند و دختران در جامعه آن‌ها در آن زمان در چه سنی ازدواج می‌کردند؟». زنان میانسال جواب دادند در زمانی که آن‌ها ازدواج کرده‌اند، میانگین سنی دخترانی که ازدواج می‌کردند، ۱۵ سال بوده است و زنان جوان جواب دادند که میانگین سنی ازدواج در زمان آن‌ها برای دختران ۱۹ سال بوده است.

در ضمن اکثر زنان میانسال بیان کرده‌اند، بین سن ۲۰-۱۴ و زنان جوان بین سن ۲۵-۱۷ ازدواج کرده‌اند. همان گونه که ملاحظه می‌کنید تفاوت میانگین سنی ازدواج برای دو گروه ۴ سال می‌باشد. که تفاوت قابل توجهی است.

آیا همسر خود را قبل از ازدواج دیده بودید و می‌شناختید؟» این سؤال به عنوان سؤال سوّم مطرح شد. اکثر زنان میانسال جواب دادند با وجود این که اقوام یا همسایه بودیم ولی او را نمی‌شناختیم و ندیده بودیم چون در آن زمان دختران زیاد از خانه بیرون نمی‌آمدند. پاسخ زنان جوان نیز به زنان میانسال نزدیک بود اما تعداد افرادی که قبل از ازدواج همسر خود را دیده بودند، نسبت به زنان میانسال بیشتر بود. در بین زنان میانسال ازدواج‌ها اغلب فامیلی بوده است و این در شعر شاعران نیز هوایداست.

خدا سنگی په لَنگ اُشَرَتَسُو
الهی اَسَرَتَش، مَنگ اُشَرَتَسُو

رَز اوّل خدا سنگ اَزَتَسُو
دَتِ اَمِم، نصیّم بی، چه بکنم

(کاش خدا روز اول به او سنگ زده بود
دختر عمویم نصیبم شد، چه کار کنم
خدا سنگی به پای لنگش زده بود
ای کاش النگویش زنگ زده بود)
(رحمانی، ۱۳۷۳: ۱۶)

تک دشت برا و چن تا میشم
خبر ببری بر حاجی فلامرز
فسیل و برکه و دسمبه پیشم
که مئه زن ناگرم از گوم و خویشم
نخل و آب انبار و دستنبو به پیشم
که من زن نمی گیرم از قوم و خویشم
توی دشت بالا و چند تا میشم
خبر ببری نزد حاجی فرامرز
(رحمانی، ۱۳۷۳: ۱۸)

در جواب به سؤال چهارم مبنی بر این که «خانواده و خود در انتخاب شریک زندگی چه نقشی داشته اید؟» زنان میانسال جواب دادند در زمان آن‌ها هر کس که خانواده (پدر، مادر و برادران) و بزرگترهای فامیل مانند پدر بزرگ ها، مادر بزرگ ها، عمه ها، عموها، دایی‌ها و خاله‌ها تأیید می‌کردند، به عنوان همسر آینده و شریک زندگی دختر انتخاب می‌شد و فقط به دختر می‌گفتند: «فلانی به خواستگاری شما آمده و همه راضی هستند». در واقع نه کسی از دختران نظری می‌خواست و نه پسندیده بودند که دختران، خود در این زمینه نظر دهند. اما در جواب اکثر زنان جوان مشاهده می‌شود که گستره نظرخواهی محدودتر شده است و در بسیاری از مواقع تا قبل از «نامزدی و آزمایش خون» کسی در اقوام از آن مطلع نمی‌شود، حتی بزرگترها و دخالت و نظرخواهی دختران در این زمینه چشمگیرتر از قبل شده است. اما نکته مهم این است که در نهایت خانواده‌ها در انتخاب همسر برای اکثر زنان جوان، نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

ملاک‌های شما در انتخاب همسر چه بوده است؟» به عنوان سؤال پنجم پرسیده شده است. بسیاری از زنان جوان اظهار داشته‌اند که ملاک آن‌ها برای انتخاب همسر، ایمان، اخلاق، زیبایی، شاغل بودن و ثروت بود. زنان میانسال نیز جواب دادند که ملاک آن‌ها برای انتخاب همسر ایمان، احترام متقابل و اشتغال بود. البته زنان میانسال اظهار داشته‌اند تا قبل از عقد و یا ازدواج ملاک‌های خود را به زبان نمی‌آوردند و بعد متوجه می‌شدند که آیا تفاهم دارند یا خیر. بیشتر زنان جوان نیز شب عقد ملاک‌ها را به همسرشان می‌گفتند. البته در سال‌های اخیر بسیاری از خانواده‌ها به دختر و پسر اجازه می‌دهند در شب خواستگاری با هم صحبت کنند.

در سؤالی مبنی بر این که «تا قبل از عقد تا چه حد با هم در ارتباط بوده اید و چگونه متوجه شدید تفاهم دارید؟»، بسیاری از زنان میانسال ذکر کرده‌اند، تا قبل از عقد یا همسر خود را ندیده بودند یا این که فقط چند بار غیر مستقیم و در حضور دیگر اعضای خانواده همسرشان را ملاقات کرده‌اند و بعد از ازدواج متوجه تفاهم و یا عدم تفاهم می‌شدند اما چون بیشتر افراد فکر می‌کردند چه خوب و چه بد باید ساخت، دچار مشکل خاصی نمی‌شدند. اما اکثر زنان جوان اظهار داشته‌اند، حداقل در زمان عقد در بسیاری مواقع بدون حضور دیگران و یا حتی در سفر با هم صحبت می‌کردند و

متوجه تفاهم یا عدم تفاهم می‌شدند. البته قابل ذکر است، سفر دختر و پسری که در زمان عقد به سر می‌برند، در بین مردم پذیرفته شده نیست و این گونه سفرها همراه با خانواده یا حداقل یکی از اعضای خانواده صورت می‌گیرد. ولی چیزی که مسلم است ارتباط دختران و پسران جوان تا قبل از ازدواج بیشتر از زنان میانسال بوده است. اما باز هم نسبت به بسیاری از مناطق دیگر کمتر است. در سؤال هفتم بر آن بودیم که «مراسم خواستگاری و مهر برون را بین دو گروه» با هم مقایسه کنیم. بسیاری از زنان میانسال اظهار کردند مهریه آن‌ها بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ مثقال طلا با عیار ۲۱ یا ۲۲ بوده است و نه تنها خود در میزان مهریه هیچ نقشی نداشته‌اند، بلکه تا قبل از مطرح شدن این میزان در شب مهربرون (قرار دزه) اطلاعی از آن نداشتند. اما اکثر زنان جوان اظهار داشتند که میزان مهریه آن‌ها بین ۲۵۰ تا ۶۵۰ سکه بهار آزادی بوده است و اگر چه در تعیین میزان آن نقش قابل توجهی نداشته‌اند اما از میزانی که قرار است مطرح شود مطلع بوده‌اند.

البته تفاوت دیگری که بین این دو گروه مشاهده می‌شود این است که زنان جوان در زمان عقد یا قبل از آن، به اتفاق همسر خود درباره میزان مهریه با هم صحبت کرده‌اند، اگر چه آن را با بزرگترها مطرح نکرده‌اند.

درباره مراسم خواستگاری، بسیاری از زنان میانسال ذکر کرده‌اند که مراسم خاص و مجللی نداشتیم یا خود در آن حضور نمی‌یافتند یا اگر هم حاضر بودند، هیچ حرفی نمی‌زدند. در همان مراسم مختصر که در اصطلاح به آن «قرار دزه» می‌گفتند، بزرگترها از دو طرف دور هم جمع می‌شدند و در باره مهریه و «زیر طبقی» و «بره بها» و تعداد گونی قند صحبت می‌کردند. منظور آن‌ها از «زیر طبقی» چیزهایی بود که خانواده داماد برای خانواده عروس تهیه می‌کردند. مانند شیرینی و... و «بره بها»: گوسفندی است که در هنگام عروسی به وسیله ماده سبز رنگی رنگ می‌شود و از طرف خانواده داماد به خانواده عروس داده می‌شود. (رحمانی، ۱۳۷۳: ۱۴) این رسم در شعر بعضی از شاعران این خطه نیز آورده شده است.

اَگَه بَرَه بَها بی فادَه وابَه که نارَن رَسَمِامو سادَه وابَه اگر بره بها بی فایده شود که نمی‌گذارند رسم‌ها ساده شود (رحمانی، ۱۳۷۳: ۱۴)	اَگَه خَرَج بئی آمادَه وابَه اَمون از دَس ای مادَر زنی یا (اگر خرج عروس آماده شود امان از دست این مادر زنها
--	--

هم چنین بسیاری از زنان میانسال یادآوری کردند که یا برای آزمایش خون اقدامی نکرده‌اند و یا بعد از ازدواج برای آزمایش خون به آزمایشگاه مراجعه می‌کردند. زنان جوان بیان کردند مراسم خواستگاری و در اصطلاح «قرار دزه» یکی از رسوم مهم است که در آن با حضور بزرگترها از میزان مهریه صحبت به میان می‌آید و خبری از «بره بها» و «زیر طبقی» نبود. تعیین تعداد گونی‌های قند نیز دیگر از اهمیت چندانی برخوردار نیست و مطرح نمی‌شود. البته اگر در این مراسم دختران صحبتی نمی‌کردند و نظری نمی‌دادند ولی قبل از شروع مراسم از دختران نظرخواهی می‌شد. در

آخر بزرگترها تصمیم اصلی و نهایی را می‌گرفتند. در هشتمین سؤال از دو گروه خواسته شد که «مراسم عقد» خود را برای ما شرح دهند. هر دو گروه اذعان کردند مراسم عقد در منزل پدر عروس و هزینه آن نیز بر عهده پدر عروس می‌باشد و در هر دو گروه از مهمانان با کباب و شیرینی پذیرایی می‌شد، البته در عصر حاضر بعضی از خانواده‌ها از مهمانان با شام پذیرایی می‌کنند.

تک تار کلی ده من کباب
 آله زیتَر تش و منکل بیاری
 شو شمبد شو عغد ربابن
 گتائین حال خال کربو خرابن
 (توی تشت سفالی ده من کباب است. شب شنبه شب عقد رباب است.
 یا الله زودتر آتش و منقل بیاورید می‌گویند حال دایی قربان خراب است.)
 (رحمانی، ۱۳۷۳: ۱۲)

زنان میانسال اظهار داشته اند، که به طور غالب بین عقد و عروسی فاصله‌ای نبود و رسم بر این بود که عاقد برای عقد در منزل پدر عروس حاضر می‌شد. اما زنان جوان بیان کردند بین مراسم عقد و عروسی بسیاری از آن‌ها فاصله بوده است و در زمان آن‌ها زوج‌هایی بوده‌اند که در منزل عاقد یا دفتر ثبت ازدواج عقد کرده‌اند. زنان میانسال در توصیف مراسم عقد خود بیان کرده‌اند در مراسم عقد از اقوام درجه یک و دو عروس و داماد دعوت می‌شد تا برای مراسم عقد در منزل پدر عروس حاضر شوند. عاقد را هم به این مراسم می‌آوردند تا ابتدا از عروس و بعد از داماد اجازه بگیرد و آن‌ها را به عقد همدیگر در بیاورد. عروس از داخل اتاق، پشت در اتاقی که سفره و خنچه عقد را چیده‌اند و عاقد در بیرون از همان اتاق پشت در حاضر می‌شد.

فاصله عروس و عاقد به گونه‌ای بود که صدای عاقد در بین جمعیت به گوش عروس برسد و بر عکس. در این هنگام عروس پای خود را در داخل تشت سبز رنگی که از قبل تهیه شده و حاوی آب هفت چشمه و برگ سبز هفت درخت است می‌گذارد. این آب را در شب عروسی دور حجله می‌ریختند که برای آن‌ها آرزوی خوشبختی کنند و آن‌ها را از سحر و جادوی بدخواهان در امان بدارند. برای این که خیالشان از این جهت راحت باشد نیز یک قفل باز که آن را به رنگ سبز در می‌آوردند را در اختیار عروس قرار می‌دادند تا لحظه‌ای که خطبه عقد تمام شد و هم زمان با «بله گفتن» آن را قفل کند و باعث شود زندگی خود را از شر بدخواهان محفوظ بدارد و این قفل باید تا شب زفاف توسط عروس باز شود.

اما داماد باید چاقویی که از قبل بر روی خنچه عقد گذاشته بودند را در شب عروسی باز کند و «شیره و حلاوه» را که عروس بر روی دیوار کشیده بود را بالای شب عروس بترشد.

وسيلة دیگری که بر روی خنچه عقد می‌گذاشتند، «در گز» بود. «در گز» یک میله‌ای فلزی است که وسیله‌ای برای اندازه گیری طول است. و آن را در داخل آب می‌گذاشتند. وسیله دیگر نیز یک وزنه است. تفسیر این وسایل و خواص آن از نظر فرهنگ عامیانه بر اساس گفته افراد مسن است و در جایی به صورت مکتوب یافت نشده است و احتمال می‌رود ریشه در یک اعتقاد و عنصر فرهنگی دیرینه داشته باشد که در این پژوهش مجال بحث بر روی آن نیست. بعد از این که عروس و داماد

بله را گفتند اقوام، عروس و داماد را دعوت می‌کردند که در کنار یکدیگر بایستند تا بر روی سر آن‌ها نقل و نبات و پول بریزند که در اصطلاح محلی به این عمل «برنش» می‌گویند. زنان جوان مراسم عقد خود را به شرح زیر توصیف می‌کنند. قبل از مراسم و جشن عقد، عروس و داماد به عقد یکدیگر در می‌آمدند و کمتر پیش می‌آید که خطبه عقد را در شب جشن بخوانند. در این شب خنچه عقد مفصلی که با خرج خانواده داماد و از مزون‌ها تهیه شده بود را در محل جشن عقد یعنی منزل پدر عروس می‌چینند. عروس و داماد در پشت این خنچه قرار می‌گیرند و آخر شب زمانی که مهمانان غریبه می‌رفتند، عسل، کیک خامه‌ای و شیرینی در دهان یکدیگر می‌گذاشتند. بعد از آن نیز عروس و داماد دست یکدیگر را می‌گرفتند و در وسط حیاط می‌آمدند و اقوام نزدیک «برنش» می‌کردند. در بسیاری از موارد داماد در شب عقد تا پاسی از شب در کنار عروس می‌ماند و با هم درباره آینده صحبت می‌کردند. در بسیاری از موارد زنان جوان یا از وسایلی که در بالا نام بردیم اطلاعی نداشتند و یا برای آن‌ها اهمیتی چندانی نداشت. به همین دلیل آن وسایل را به کار نمی‌بردند. در زمان عروسی زنان میانسال، طبق را در عصر روز «حنو نسو» که به آن «پسین طبقی» می‌گفتند، با مراسم خاصی به منزل عروس می‌آوردند. طبق‌ها شامل چند بقچه سبز که در آن وسایل، طلا، لوازم آرایشی، عطر و ادکلن و لباس‌های عروس می‌گذاشتند و شربینی‌ها، میوه، آینه شمعدان و... می‌شود. و خانواده عروس طبق داماد را در روز عروسی برای داماد می‌بردند. لباس سبز عروس را همان عصر بر وی می‌پوشاندند و «برنش» می‌کردند و بعد از آن مهمانان را دعوت به دیدن طبق‌ها می‌کردند.

لباس داماد نیز که توسط جواترهای اقوام به داماد پوشانده می‌شد و در اصطلاح به آن «قبا برکرده» می‌گویند، یا در ظهر عروسی و یا در شب عروسی انجام می‌گرفت. بعد از آن همه به داماد دست می‌دادند و به وی تبریک گفته و برای او آرزوی خوشبختی می‌کردند. و همراه با وی به منزل عروس رفته تا عروس را به منزل داماد بیاورند. اما زنان جوان پاسخگو طبق عروسی شان را یا در شب عقد و یا در شب «حنو دزد» برایشان آورده‌اند و از مردم برای دیدن آن دعوت نکرده‌اند. و طبق داماد را هم ساعت ۲ بامداد روز عروسی برای وی می‌برند و البته در بسیاری از موارد سعی شده است فقط یک چمدان که حاوی لباس شب عروسی داماد است را ظهر و یا شب عروسی برای وی ببرند تا مراسم «قبا برکرده» بر طبق سنت قدیم برگزار شود.

آخرین پرسش درباره «مراسم عروسی و ازدواج» بود. در زمان عروسی زنان جوان، مراسم شب اول را «حنا دزد» می‌گفتند. که امروزه از اهمیتی چندانی برخوردار نیست و بعضی از عروس و دامادها این مراسم را یا برگزار نمی‌کنند و یا آن را بسیار مختصر می‌گیرند. بنابراین در کل مراسم عروسی را در طول ۲ شب برگزار می‌کنند. شب اول عقد و شب دوم عروسی که در اصطلاح به آن «شب جاراو» می‌گویند. ظهر روز عروسی، عروس حمام می‌رود و لباس سبز می‌پوشد. بعد از این که از حمام بیرون آمد اقوام با خواندن آیات مخصوص عروسی و ریختن شیرینی و پول از او استقبال می‌کنند. بعد از آن عروس با عجله آماده می‌شود که به آرایشگاه برود تا آرایشگر او را برای «شب جاراو» آماده کند. عروس‌های جوان برای دو یا سه شب به آرایشگاه می‌رفتند. هزینه آرایش

عروس بر عهده داماد است. شب بعد از این که داماد، عروس را به منزل خود می آورد رسم بر این بوده است که داماد پای عروس را با گلاب بشوید و پای وی را در حلوی مسقطی گذاشته و کمی از حلوی جا پای عروس را خود بخورد و کمی به عروس بدهد. و بعد از آن عروس با دو انگشت خود «شیره و حلاوه» ای که از قبل توسط مادر داماد آماده شده بود، را بر روری دیوار می کشید و داماد با تراشیدن آن بر روی سر عروس، در حضور دیگران قول هایی به عروس داده و هدایایی به وی تقدیم کند. که در اصطلاح به آن «پانداز» می گویند. به طور معمول رسم است در این شب برای «پانداز» داماد به عروس قول یک مسافرت که یک سفر زیارتی است را می دهد و به عروس می گوید که من قصد دارم محبتم را بین تو و خانواده ام تقسیم کنم و «نصف خیر خونه» را به تو تقدیم می کنم. «نصف خیر خونه» اختیاری است که داماد به واسطه آن به همسر خود اجازه دخل و تصرف نسبی در امور و خرج و مخارج منزل را می دهد.

در عصر حاضر رسم است که داماد به جای آن که «شیره و حلاوه» را بالای سر عروس بترشد و آن را بر سر عروس بریزد، بر روی سر وی گل می ریزد. قابل ذکر است «شیره و حلاوه» ماده ای است که ترکیبات آن شامل شیره خرما و روغن می باشد. مراسم عروسی زنان میانسال در سه شب برگزار می شد. شب اول «حنو دزد»، شب دوم «حنو نسو» و شب سوم «جاراو». قبل از عروسی همسایه ها و اقوام را دعوت می کردند که هر کدام تکه ای لباس عروس را بدوزد. یکی روسری، یکی شلوار، دیگری لباس و... شب «حنای دزد» از طرف خانواده داماد طبقی که در آن حنا گذاشته بودند را برای عروس آورده و برای وی حنا می گذاشتند.

بعد از آن که مراسم عروس تمام می شد همه راهی خانه داماد شده و برای وی حنا می گذاشتند. در روز دوم یعنی روز «حنای فاش» یا «حنو نسو»، ضمن این که برای عروس طبق می آوردند، حنای اصلی را آن شب برای عروس می گذاشتند. که در اصطلاح به آن «حنو بادی» می گفتند. یعنی با استفاده از نخ خیاطی یا کاموا به روی انگشتان دست عروس نقش های منظم لوزی شکل ایجاد کرده و در جاهای خالی حنا می گذاشتند. خانواده عروس در شب «حنای دزد» و خانواده داماد در شب «حنو نسو» به مردم کباب و شیرینی می دادند. در روز عروسی یا در اصطلاح «جاراو» عروس را به حمام برده و برای وی ابیاتی می خواندند و جوانان، داماد را نیز به حمام برده و قبای دامادی بر وی می پوشانند. بعد از این که مردان به داماد تبریک می گفتند، وی در جمع زنان می رفت و خواهر بزرگتر داماد سر وی را با برس و گلاب شانه می زد. در این مراسم ابیات خاصی خوانده می شود و بسیاری از اقوام و مهمانان به گریه می افتند. که از افراد مسن شنیده ام این گریه برای نا کامی جوان امام حسین (ع) و امام حسن (ع) که در کربلا شهید شده اند و رخت دامادی نپوشیده اند، می باشد. بعد از این مراسم بزرگترها دست داماد را گرفته و وی را در جهت آوردن عروس به خانه داماد یاری می کنند. در این شب پدر داماد سر عروس و داماد را سه مرتبه به هم می کوبد و برای آنها آرزوی خوشبختی می کند. البته اگر پدر داماد بیش تر از یک بار ازدواج کرده باشد، انجام این رسم را بر عهده یکی از محارم عروس می گذارند. در زمان زنان میانسال عروس را در منزل آرایش کرده و پیاده به منزل داماد می بردند. اما امروزه عروس در آرایشگاه و توسط آرایشگر آرایش شده

و با ماشین تزئین شده به منزل داماد می‌رود. یک شب بعد از عروسی، عروس باید خود را آرایش می‌کرد تا برای دیدن او بیایند، که به آن مراسم «صندل کشو» می‌گفتند.

نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها مشخص می‌شود بیشتر ازدواج‌ها در بین زنان میانسال، درون گروهی بوده است. در حالی که در بین گروه جوانتر ازدواج برون گروهی رواج بیشتری دارد. تعداد روزهایی که اقوام درگیر یک مراسم عروسی بوده‌اند در بین میانسالان بیشتر از جوانترها می‌باشد. در عوض برای زنان جوانتر بیشتر زحمت عروسی و تدارکات آن بر دوش عروس و داماد است. روحیه تعاون و همکاری برای انجام کارهای اجتماعی و دسته جمعی مانند عروسی در گذشته بیشتر بوده است. بسیاری از زنان میانسال به سحر، جادو و بدخواهی حسودان اعتقاد داشتند و برای رهایی از شر آن‌ها وسایل خاصی را به کار می‌بردند اما در حال حاضر با وجود اعتقاد نسبی به سحر، جادو و بدخواهی ولی زوج‌های جوان راه مقابله با آن را، استفاده از آن وسایل خاص بر سر خنچه عقد نمی‌دانند. در واقع نسل جوان تفسیر بسیاری از این رسم و رسومات محلی را نمی‌دانند و این عدم آگاهی، کاربرد آن را روز به روز کاهش می‌دهد و از ارزش انجام این رسم می‌کاهد. همچنین ملاک‌های انتخاب همسر دچار تغییراتی شده است. اگر در گذشته منافع گروهی در نظر گرفته می‌شد امروزه منافع شخصی برای دختر و پسر اهمیت بیشتری دارد.

در گذشته می‌توان به ازدواج به عنوان نوعی مبادله و تقسیم کار بین دو جنس اشاره کرد اما مفهوم ازدواج و زناشویی برای زوج‌های جوان دچار تحولاتی شده است که در ورای تمام منافع جمعی و دخالت و رضایت بزرگترها، رضایت زوجین مطرح است. همان گونه که ملاحظه می‌کنید ملاک عشق و علاقه در بین زنان جوان به ملاک‌ها افزوده شده است. تمامی این تغییرات در دراز مدت، ترتیب اصلی مراسم عروسی و ازدواج در گراش را که بر طبق رسم خاصی انجام می‌گرفته است را از یاد می‌برد و فرهنگ فولکلور و عامیانه را دچار و درگیر فرهنگ توده‌ای می‌کند. جوانترها تحت تأثیر رسانه‌های جمعی مراسم عروسی و ازدواج خود را به صورتی در می‌آورند که در رسانه‌ها می‌بینند، بنابراین به تدریج رسوم‌های اصیل و سنتی جای خود را به اسراف و زیاده روی و تجمل‌گرایی داده و همان گونه که قبلاً ذکر شد به مرور معانی و سنت‌ها در حال فراموشی است.

منابع و مأخذ

- ۱- اعزازی، شهلا (۱۳۸۶)، جامعه شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران: چاپ پنجم.
- ۲- بیتس، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۸۵)، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران: چاپ سوم، چاپ گلرنگ یکتا.
- ۳- تقوی، کرامت الله (۱۳۷۹)، تقویم تاریخ لارستان، ناشرین: تخت جمشید شیراز - بخشایش قم: چاپ اول.
- ۴- رحمانی، صادق (۱۳۷۵)، سیمای لارستان (نخل های سرفراز)، ناشر همسایه، قم: چاپ اول، چاپ نهضت.
- ۵- رحمانی، صادق (۱۳۷۳)، انار و بادگیر، انتشارات همسایه، قم: چاپ اول.
- ۶- روستایی، محمد حسن (۱۳۸۴)، بازی های محلی گراش، انتشارات همسایه، قم: چاپ اول، چاپ زیتون.
- ۷- کاکوچویباریان، علی اصغر (۲۰۰۵) مفاهمه بین نسلی
<http://webnegasht.com/siasi/article/mofahemeh.htm>
- ۸- مؤید محسنی، مهری (۱۳۸۱)، فرهنگ عامیانه سیرجان، انتشارات مرکز کرمان شناسی، چاپ اول.